



## مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علی رستمی<sup>۱</sup>، نادر پورآخوندی<sup>۲</sup>

### چکیده

با شکل‌گیری بحران در سوریه، زمینه برای نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم گردید. این کشورها با استفاده از ابزارها و اقدامات مختلف درصدد تأمین امنیت ملی و منافع خود بوده‌اند. بحران سوریه، پای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون ترکیه و روسیه را به میان کشید. ترکیه به دلیل هم‌مرز بودن و تهدیدات ناشی از گروه‌های تروریستی و روسیه به دلیل حفظ پیوندهای اقتصادی و نظامی خود با سوریه و جلوگیری از کاهش نفوذ خود در خاورمیانه وارد میدان شدند. روسیه و ترکیه پیش از این همکاری‌های وسیعی داشتند که با وقوع بحران سوریه و مواضع دو کشور، در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند و زمانی این تقابل به اوج رسید که ترکیه جنگنده روسیه را در مرز سوریه سرنگون کرد و روسیه نیز تمامی روابط خود را با ترکیه قطع کرد؛ اما بار دیگر دو کشور به سمت همکاری گرویدند. هدف این پژوهش تبیین تأثیر روابط روسیه و ترکیه در بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق این گونه مطرح شده است که مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ که این فرضیه مطرح شده است که مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه به واسطه حضور مؤلفه‌هایی از قبیل تلاش برای سرنگونی خاندان اسد، نفوذ کردها و تلاش برای تضعیف نفوذ ایران، زمینه‌ساز تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه، زمینه‌ساز تضعیف امنیت ملی ایران شده است. نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه است.

**واژگان کلیدی:** روابط، روسیه، ترکیه، بحران سوریه، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)



## مقدمه

امنیت بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهم‌ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به شمار می‌رود و از این رو از گذشته‌های دور مورد توجه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان بوده است. ماندگاری جوامع در گرو امنیت است و در نبود آن هرج و مرج و آناارشی واقعیت صحنه خواهد بود. در این بین، امنیت ملی مفهومی کم و بیش تازه است که امنیت را در چارچوب مرزهای ملی و متمایز با دیگر کشورهای جهان تعریف می‌کند و با پیدایش «دولت-ملت‌ها» یا «دولت‌های ملی» پدیدار شده است؛ مفهومی چندلایه که مباحث مربوط به آن در گذر زمان و در پاسخ به دگرگونی‌های جهانی بسیار پیچیده شده است.

بر این اساس، تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ میلادی در خاورمیانه آغاز گردید، پیامدهای امنیتی را بر جای گذاشت. اعتراضات علیه اسد، موجب ایجاد بحران‌ها و پیدایش خشن‌ترین گروه‌های تروریستی گردید و ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. دو نگاه نقش-محور در جهت‌گیری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به بحران سوریه وجود دارد. نگاه اول، ایفای نقش بر محوریت "تخل جغرافیایی" و ضرورت وجود آن برای ایجاد تعادل و ثبات سیاسی-امنیتی در منطقه خاورمیانه است. این نگاه، به عنصر مادی یعنی جغرافیا و به هم پیوستگی مسائل سیاسی-امنیتی زیر سیستم‌های مختلف در منطقه یعنی حوزه‌های خلیج فارس، شامات، شبه جزیره عربستان و شمال آفریقا و مصر و ایفای نقش محوری بوسیله بازیگران کلیدی در این مناطق اهمیت می‌دهد. بر این مبنای عدم وجود یا حضور نقش فعال یک بازیگر منطقه‌ای بر خلاف نظام سنتی توازن قدرت در منطقه بوده و خود موجب بی‌ثباتی و رقابت فزاینده می‌شود. در این بین، رقابت روسیه و ترکیه در بحران سوریه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. ترکیه به دلیل هم‌مرز بودن و تهدیدات ناشی از گروه‌های تروریستی و روسیه به دلیل حفظ پیوندهای اقتصادی و نظامی خود با سوریه و جلوگیری از کاهش نفوذ خود در خاورمیانه وارد میدان شدند. روسیه و ترکیه پیش از این همکاری‌های وسیعی داشتند که با وقوع بحران سوریه و مواضع دو کشور، در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند و زمانی این تقابل به اوج رسید که ترکیه جنگنده روسیه را در مرز سوریه سرنگون کرد و روسیه نیز تمامی روابط خود با ترکیه را قطع کرد اما، بار دیگر دو کشور به سمت همکاری گرویدند.

مهم‌ترین اهداف ترکیه در این بحران، ساقط کردن حکومت مردمی بشار اسد و کاهش نقش ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ایران و اصلی‌ترین ویژگی رفتار روسیه در ژئوپلیتیک منازعه، حمایت از حکومت بشار اسد و تأکید بر اصلاحات سیاسی اجتماعی داخلی از طریق مخالفت با حضور و دخالت بیگانگان در این کشور است. سابقه تاریخی روابط دو کشور ترکیه و روسیه بیانگر آن است که همواره رقابت‌های جدی میان آن دو در موضوعات متعددی بر روابطشان حکمفرما بوده است. یکی از این موضوعات مسأله انرژی است. با توجه به اهمیت منابع روبه کاهش انرژی در دنیا، از حدود سال‌های ۲۰۰۷ روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین ژئوپلیتیک‌های منتقل‌کننده این منابع مورد شناسایی قرار گرفته است. در این سال بنا بود تا خطوط لوله منتقل‌کننده انرژی از خاک سوریه به دریای مدیترانه و سپس اتحادیه اروپایی اجرایی شوند. بالطبع روسیه به مثابه یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر انرژی دنیا و تأمین‌کننده حدود یک سوم انرژی مورد نیاز اتحادیه اروپایی به دلیل آن که نسبت به این طرح ذینفع نبوده، با آن مخالفت نمود. از سوی دیگر، ترکیه به عنوان یکی از کشورهای درگیر در این طرح، منافع زیادی را از آن به خود اختصاص می‌داد. اما مخالفت دولت سوریه از احداث آن موجبات نارضایتی ترک‌ها را به همراه داشت. با توجه به موارد مطرح شده، مسأله اصلی و اساسی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر نوع مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که سعی می‌شود ابعاد و زوایای مختلف آن مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱. چارچوب‌های مفهومی و نظری بحث:

### ۱-۱. تهدیدمحوری در مفهوم امنیت

باری بوزان معتقد است که پنج عامل مهم و اساسی در توسعه نیافتگی مفهوم امنیت دخالت دارد. از نظر وی این عوامل عبارتند از: پیچیدگی موضوع، حل‌شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده‌ی ابزار از امنیت. بوزان اعتقاد دارد که پیچیدگی موضوع امنیت، زمینه‌ساز بی‌توجهی تحلیل‌گران به آن و در نتیجه، فقدان کندوکاو دقیق‌تر و گسترده‌تر صاحب‌نظران مختلف گردیده است؛ در حالی که پیچیدگی مفهوم امنیت کمتر از پیچیدگی مفاهیم دیگری مانند قدرت، عدالت، صلح، مساوات و آزادی است. در خصوص حل‌شدگی امنیت در قدرت، بوزان سلطه‌ی تفکر خام رئالیستی در محیط قطبی شده‌ی جنگ سرد را عامل تحدید مفهوم امنیت می‌داند و می‌گوید به ویژه در شرایط



بحران و کشمکش، مفهوم امنیت آنقدر تحدید گشت که به صورت بیان چگونگی وضعیت یک یا گروهی از دولت‌ها در کشمکش قدرت در آمد و امنیت به واژه‌ای معادل چیزی یا اندکی بیش از قدرت تبدیل شد که در حوزه‌ی گسترده‌ی عمومی چندان معنای مستقلی نداشت (نیاکویی و بهمنش ۱۳۹۱، ۱۲۱-۱۲۰)؛ (Nyakoi and Bahmanesh 2012, 121-120).

باری بوزان مدعی است مطالعات استراتژیک به سبب آن که مجبور بوده بخش مهمی از نیروی خود را صرف مطابقت با تحولات جدید کند و بر مسائل نظامی و دفاعی تمرکز داشته باشد و نیز از آن جا که همواره از جهت‌گیری‌های سیاسی برخوردار و در خدمت نظام سیاسی بوده، باعث شده است با آن که مفهوم امنیت بسیار استفاده شده، هنوز الگوی واقع‌گرای کشمکش قدرت بر آن مسلط باشد (عبداله‌خانی ۱۳۸۳، ۱۲۱)؛ (Abdullah Khani 2004, 121).

بوزان استفاده ابزاری از امنیت را نیز مهم تلقی می‌کند. وی معتقد است که دولت‌ها در حفظ ابهام امنیت همواره پیشقدم بوده و منافع بسیاری در این زمینه داشته‌اند. توسل به امنیت همواره توجیه‌گر مناسبی برای سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها بوده است. در این خصوص آل ویور بیان می‌دارد «چیزی را به عنوان موضوع امنیت نامگذاری کردن، آن را سرشار از حس اهمیت و ضرورت و استفاده از معیارهای ویژه‌ی خارج از فرآیند معمول سیاسی را مشروع می‌سازد» (عبداله‌خانی ۱۳۸۳، ۱۲۱)؛ (Abdullah Khani 2004, 121).

## ۲-۱. امنیت موسع در برابر مضیق

امنیت در شکل سنتی آن تنها بر بعد نظامی تأکید داشت. این مهم زمینه‌ساز تأثیرات جدی و عمیق بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی داشت. این روند تا اواخر دهه هفتاد ادامه داشت. اوایل دهه هشتاد سرآغاز تحولات و دگرگونی‌های عمیقی در مطالعات امنیتی و ابعاد و اشکال دیگر امنیت بود. در واقع در این دهه، امنیت رفته رفته از شکل تک بعدی خارج و سایر ابعاد و اشکال امنیت نیز مورد توجه و بررسی جدی قرار می‌گیرد.

بوزان و همکارانش سعی دارند تا دیدگاه رادیکال‌تری از مطالعات امنیتی را با بررسی تهدیدات تحمیل شده به اهداف مرجع و امنیتی کردن آن تهدیدات مطرح کنند. در مجموع، بوزان برای اثبات ضرورت موسع نمودن ابعاد امنیت دلایل زیر را ذکر می‌کند:

۱- افزایش شدت روابط بین‌الملل موجب کنش و واکنش میان‌آناارشی و وابستگی متقابل شده است.

۲- یکی از ویژگی‌ها این است که در شکل امنیت موسع، مفهوم امنیت مانع از مخالفت بین آرمانگرایان و واقع‌گرایان می‌شود. ویژگی دیگر به بهره‌برداری نادرست از امنیت مربوط می‌شود.

۳- سومین دلیل اتخاذ دستور کار موسع امنیتی است. در این چهارچوب مفهوم امنیت راهی برای پیوند نظریه و تحلیل در مطالعات بین‌الملل است (موسوی‌زاده ۱۳۹۰، ۷۴)؛ (Mousavizadeh, 2011, 74).

### ۳-۱. ساختار بنیادین مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای از دیدگاه باری بوزان

از نظر بوزان مجموعه‌های امنیتی نه تنها تعیین‌کننده الگوهای محلی نسبتاً پایدار و قوی هستند، بلکه اثرات قدرت‌های خارجی بزرگ‌تر بر الگوهای محلی را شکل داده و هدایت می‌کنند. مجموعه‌های امنیتی که حاصل ساختار آناارشی بین‌المللی هستند، از انتقادات تاریخی‌ای که متوجه نظریات سیستمی است دوری می‌جویند و محیط عملکرد سیاسی سازمان امنیت ملی و میزان برداشت‌های آن‌ها از توزیع قدرت در نظام را بازتاب می‌دهند و ابزار مفیدی برای سازماندهی الگوهای روابط میان مجموعه‌های امنیتی و دولت‌ها به صورت جانبی و سلسله‌مراتبی به وجود می‌آورند (کوشکی و کریمی ۱۳۹۳، ۱۴)؛ (Koshki and Karimi 2014, 14).

باری بوزان معتقد است که ساختار مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار معیار اصلی به شرح زیر تشکیل شده است: ۱- ساختار آناارشی که باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشد؛ ۲- قطبش: که پوشش‌دهنده‌ی توزیع قدرت میان واحدهاست؛ ۳- مرز، که مجموعه امنیت منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند و ۴- ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست (کوشکی و کریمی ۱۳۹۳، ۲۸۱-۲۸۰)؛ (Koshki and Karimi 2014, 280-281).

### ۴-۱. نقش دولت در تأمین امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر دولت به عنوان مرجع امنیت قرار می‌دهد و معتقد است با توجه به نقش دولت به عنوان نیرومندترین بازیگر در نظام بین‌الملل که مسائل بین‌المللی، دولتی و نیمه‌دولتی را حل و فصل می‌کند و بزرگ‌ترین نقش را در تأمین امنیت دارد، باید به دولت به عنوان مرجع امنیت نگاه کرد. دولت‌ها در نظام بین‌الملل به رغم شباهت‌هایی که با هم دارند، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند و به عنوان مرجع امنیت آن‌ها را در شرایط متفاوتی قرار می‌دهد.



باری بوزان معتقد است که یکی از این تفاوت‌ها، تمایز میان دولت‌های قوی و دولت‌های ضعیف است. از منظر مکتب کپنهاک، در مورد دولت‌های قوی، می‌توان امنیت ملی را از دیدگاه حفاظت از اجزای دولت در برابر تهدید خارجی نگریست. در این صورت؛ ایده‌ی دولت، نهادها و قلمرو آن به خود قابل تعریف و تثبیت می‌باشند و روش‌های پذیرفته‌شده اصلاح، تغییر و انتقال قدرت وجود دارند و آن قدر مورد حمایت هستند که از تهدید جدی خارجی در امان باشند. در مقابل وقتی دولت ضعیف باشد، تنها پایگاه مادی آن به عنوان موضوع امنیت ملی مشخص و روشن است (صفوی ۱۳۹۱، ۱۴)؛ (Safawi 2012, 14).

هر قدر دولت ضعیف تر باشد، مفهوم امنیت ملی مبهم تر می‌شود و با منافع حکومت‌ها و جناح‌ها در هم می‌آمیزد و جناح‌بندی سیاسی داخلی، دولت را به شدت در معرض نفوذ منافع سیاسی خارجی قرار می‌دهد. بنابراین، در دولت‌های ضعیف، تهدید داخلی حکومت در پیوند با نفوذ قدرت‌های خارجی است و از این جهت مسائل امنیتی داخلی این دولت‌ها غالباً مرتبط با روابط خارجی است. بوزان ایجاد دولت‌های قوی تر را شرط ضروری برای تأمین امنیت فردی و ملی می‌داند و فقدان دائمی آن‌ها را از عوامل ایجاد ناامنی می‌داند (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه ۱۳۹۱، ۲۲)؛ (Hosseini, 2012, 22). (Ebrahimi and Shah Qala 2012, 22)

### ۱-۵. وابستگی متقابل امنیتی

یکی از موارد مهمی که در مباحث امنیتی در دیدگاه مکتب کپنهاک اهمیت فراوانی دارد، مباحث مربوط به وابستگی متقابل امنیتی است. بوزان و همکارانش دولت و نظام را دو مجموعه‌ی به هم وابسته می‌دانند که دارای تأثیر و تأثر متقابلند و می‌گویند از آن جا که امنیت پدیده‌ای نسبی است، نمی‌توان امنیت ملی دولت معینی را بدون درک الگوی بین‌المللی وابستگی متقابل امنیتی که در آن قرار گرفته، درک کرد. مکتب کپنهاک پس از طرح مسئله‌ی وابستگی متقابل امنیتی و ناکارآمد بودن سیاست‌های امنیتی خودمحرورانه، مشکل موجود را مطرح می‌کند و برای آن راه‌حل ارائه می‌دهد؛ مشکل این است که منطق وابستگی متقابل ما را به سوی دیدگاه‌های پیچیده‌تر می‌کشاند؛ بدین معنا که اگر امنیت هر یک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط است، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه فهمید، در حالی که چنین دستور کار بزرگی مطالعه‌ی امنیت را امری غیرواقع‌بینانه خواهد نمود. بوزان و همکارانش پس از طرح مشکل، راه‌حل را محدودسازی سطح وابستگی متقابل می‌دانند و می‌گویند چون واقعیت وابستگی متقابل امنیتی غیرقابل انکار است، تنها

راه امیدوارکننده برای دست یابی به تعریف قابل فهم از موضوعات مورد مطالعه این است که آن را بیش از حد بزرگ نکنیم. برای انجام این کار، آن‌ها یافتن سلسله‌مراتبی از سطوح تحلیل در درون نظام بین‌المللی را ضروری می‌دانند و به دنبال آن، با غیرقابل اتکا دانستن سطح بین‌المللی، سطح منطقه‌ای را بهترین وضعیت برای منطقی نمودن وابستگی متقابل امنیتی معرفی می‌کنند (عبداله‌خانی ۱۳۸۳، ۱۳۳)؛ (Abdullah Khani 2004, 133)

## ۲. رویکرد ترکیه در قبال بحران سوریه

نقش ترکیه در بحران سوریه تا به حال مراحل زیر را طی کرده است:

۱. ترکیه در آغاز تحولات سوریه موضعی نرم اتخاذ کرد و امیدوار بود مشکلات از طریق رایزنی برطرف گردد.
۲. با افزایش فشارهای بین‌المللی از سوی کشورهای غربی علیه سوریه، ترکیه نیز مواضع جدی تری اتخاذ کرد و فعالانه وارد عرصه تحولات سوریه شد. در اینجا ضمن سیاست میانجی‌گری و پذیرش مخالفان دولت بشار اسد در خاک خود، انتقاداتی بر نحوه برخورد دولت سوریه با مخالفان وارد کرد و خواستار اجرای اصلاحات در آن کشور شد (Karakullukçu, 2014: 3).
۳. با تداوم تحولات جاری در سوریه و بحرانی‌تر شدن اوضاع در روزهای تابستان سال ۲۰۱۱ (به ویژه با شروع ماه مبارک رمضان) ترکیه به سمت سیاست اتمام حجت با سوریه پیش رفت. بدین معنا که با تداوم بحران جاری در سوریه، به تدریج از سیاست میانجی‌گرانه‌ی خود دست می‌کشد و در صف متحدان غربی‌اش قرار می‌گیرد (بیات ۱۳۹۰، ۱۷۶)؛ (Bayat 2011, 176)
۴. با ادامه بحران در سوریه، دولت ترکیه تمامی ارتباط‌های سیاسی خود با دولت سوریه را قطع کرد. با ورود نیروهای تروریست خارجی همانند ارتش آزاد، جبهه النصره و داعش که اکثر آنها وابسته به شبکه جهانی القاعده بودند، دولت اردوغان با تصور اینکه دولت بشار اسد توان نظامی برای مقابله با گروه‌های تروریست و همچنین قدرت اقتصادی برای تأمین هزینه‌های ارتش را برای مقابله با گروه‌های تروریست ندارد به حمایت از گروه‌های تروریستی در حال جنگ با دولت سوریه پرداخت و کمک‌های تسلیحاتی بسیاری را به این گروه‌ها کرد. علاوه بر این، با باز گذاشتن گذرگاه‌های مرزی و تربیت نیروهای تروریست در مرزهای ترکیه و اعزام آنها به سوریه و استقرار موشک‌های پاتریوت در مرز ترکیه و سوریه تلاش کرد دولت مشروع و قانونی سوریه را سرنگون کند. عناصر گروه تروریستی داعش، به صورت آزادانه در حال رفت و آمد در مناطق مرزی ترکیه



و سوریه و خرید از بازارهای ترکیه هستند و در بیمارستان‌های این کشور درمان می‌شوند (شبکه خبری العالم ۱۳۹۳/۶/۲۲)؛ (Al Alam News Network 13/09/2014).

## ۱-۲. بحران سوریه و ناکامی نظم منطقه‌ای مورد نظر ترکیه

بر اساس دکترین عمق استراتژیک احمد داود اوغلو، ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود دارای عمق استراتژیک است و به همین دلیل باید نقش رهبری را در مناطق پیرامونی خود به عهده بگیرد و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. ترکیه انقلاب‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه و نیز ناآرامی‌های سیاسی موجود در سوریه را به منزله فرصتی برای پیشبرد راهبرد کلان خود برای تبدیل شدن به بازیگری مهم در معادلات خاورمیانه در چارچوب در نظر دارد

بی تردید ترکیه با توجه به دارا بودن درجه‌ای قابل قبول از معیارهای دموکراسی و همچنین موقعیت مساعد جهانی از پذیرش و مقبولیت بیشتری نزد جریان‌های دموکراسی خواه در کشورهای بحران زده خاورمیانه برخوردار بود. قدرت‌یابی حزب النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر که مدل سیاسی حزب عدالت و توسعه را ایده‌آل‌ترین مدل برای شیوه حاکمیت داری کشورشان می‌دانستند؛ به یکباره موقعیت منطقه‌ای ترکیه را در قیاس با رقبایش ارتقا داد. این وضعیت چندان به درازا نینجامید و با شروع موج دوم تحولات، آسیب‌پذیری‌های ترکیه بیشتر شد. از منظری بحران‌های سیاسی در خاورمیانه از تلاش برای استقرار نهادهای مدنی به سمت جنگ‌های فرقه‌ای و هویت جویانه تغییر مسیر داد. به عبارتی منازعات بر پایه هویت‌های سیاسی جایگزین تقاضای‌های دموکراتیک شد و این امر سر آغاز نزول ترکیه در منطقه شد. کشورهای سوریه و یمن در دسته نخست این کشورها قرار دارند. بدین جهت با تشدید جنگ‌های فرقه‌ای در سوریه و ورود جریان‌های متعدد تروریستی به این کشور، رویکرد منطقه‌ای ترکیه که همانا ارتقای قدرت نرم این کشور بود؛ به بن بست رسید. این کشور هیچ‌گونه آمادگی سیاسی و نظامی در مواجهه با تحولات و دگردیسی‌های سیاسی و نظامی سوریه نداشت و نتوانست موقعیت گروه‌های حامی خود را در سوریه مستحکم تر نمایند (بیات ۱۳۹۰، ۱۷۶)؛ (Bayat 2011, 176)

## ۲. رویکرد روسیه در بحران سوریه

در مدیریت بحران بین‌المللی با رویکرد روسی؛ استفاده از قدرت نظامی، ایدئولوژی، اقتصاد و فناوری نظامی همواره نقشی تأثیرگذار داشته است. احیای قدرت تاریخی روسیه و گسترش نفوذ



در حوزه نفوذ شوروی سابق به ویژه در مناطق پیرامونی از اهداف اساسی در مدیریت بحران روسی است (زهرانی و فرجی لوحه سرا ۱۳۹۴)؛ (Zahrani and Faraji Lohesara 2014)

ریشه‌ی کنش‌های کنونی روسیه در تحولات میدانی سوریه را باید در روابط احزاب چپ‌گرا این کشور جست و جو کرد. اولین حزب کمونیستی در سال ۱۹۲۵ در سوریه به وجود آمد که پرقدردترین حزب مایل به بلوک شرق در دنیای عرب به شمار می‌رفت. پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ نیز روابط دو کشور گسترش یافت تا جایی که سوریه کمک‌های قابل توجه نظامی و اقتصادی از مسکو دریافت کرد و در مقابل پایگاه خود در بندر لاذقیه را تأسیس کرد. در این دوران در منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی نیز، روسیه از سوریه حمایت می‌کرد (هدایتی و پینکفتسوف ۱۳۹۴، ۶۶)؛ (Hedayiti and Pinkftsov 2014, 66).

از طرف دیگر، با توجه به آنکه روسیه خود می‌تواند از قربانیان افراط‌گرایی سلفی در خاک خود باشد، گسترش افراط‌گرایی در خاورمیانه را برخلاف منافع و امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. این مسئله می‌تواند هشدار جدی برای منافع روسیه در آسیای مرکزی و به ویژه قفقاز باشد. کنش متعارض روسیه و ترکیه در قبال یکدیگر در منطقه قفقاز در سال‌های گذشته قابل توجه بوده و رویارویی دو طرف در بحران سوریه سبب گردیده تا ابعاد تعارض احتمالی آنها در قفقاز تشدید گردد. به هر حال، فدراسیون روسیه رویکرد خاصی در قبال بحران سوریه داشته که نوعی تعارض منافع و کنش متعارض با رقیب منطقه‌ای خود یعنی ترکیه به دنبال داشته است. نوع خاص کنش‌گری روسیه در بحران سوریه سبب گردیده تا ترکیه به مقابله آشکار با آنها پرداخته و این نگاه متفاوت و متعارض آنها بعضاً از میدان سوریه به رقابت منطقه‌ای آنها در قفقاز نیز کشانده شود (Blanchard, 2015: 69).

#### ۴. کنش‌های متعارض در مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه

روسیه از زمان شکل‌گیری بحران در سوریه ضمن حمایت از دولت سوریه به مبارزه با تروریست‌ها نیز پرداخته و در این مسیر دارای رویکرد کاملاً متعارضی با دولت ترکیه در خصوص روند و چگونگی حل بحران در سوریه است. باید توجه داشت که در ادامه با تداوم روند بحران در خاک سوریه و افتادن این کشور به دامن جنگ‌های فرقه‌گرایانه، دولت ترکیه با تغییر جهت سیاست خارجی به عنوان حامی مواضع گفتمان اهل سنت در منطقه تبدیل شد و در کنار عربستان



سعودی و قطر قرار گرفت، اما اهداف این کشور در سال ۲۰۱۴ و با شروع حمایت هوایی دولت آمریکا و ائتلاف ضد داعش از نیروهای کرد در کوبانی و شمال سوریه تغییر یافت. از نگاه دولت ترکیه کمک به شبه نظامیان پ. ک. ک. در شمال سوریه می‌تواند ضمن تثبیت قدرت آنها زمینه‌ساز قدرت‌گیری پ. ک. ک. و تسری تمایلات جدایی‌طلبانه به خاک ترکیه گردد و به بزرگ‌ترین بحران امنیتی این کشور که از سال ۱۹۸۴ با آن مواجه است دامن‌بزند (عزیزی ۱۳۹۴)؛ (Azizi 2015).

به هر حال، باید تصریح داشت که سیاست دولت ترکیه در قبال بحران سوریه از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. البته باید به این مهم توجه نماییم که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاسی و امنیتی در ترکیه به منظور نیل این کشور به اهداف و منافع ملی خود، دو هدف عمده در مقابله با دولت بشار اسد و محدودسازی قدرت مانور پ. ک. ک. در دستور کار خود قرار داده‌اند و در این مسیر در کنار عربستان سعودی قرار گرفته و با حمایت سیاسی، مالی و نظامی گسترده از مخالفان سوری و ترکمن‌ها از همکاری با ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا در مناطق شمالی سوریه و در حمایت از کردها خودداری کرده است (Pamock and Bolter 2014, 3).

## ۵. رویکرد و راهبردهای ایران در قبال تحولات سوریه

### ۵-۱. تأثیر بحران سوریه بر محور سه‌گانه راهبردی

بوزان بر خلاف دیدگاه رویکردهای پیشین در مورد امنیت که آن را امری عینی و واقعی تصور می‌کردند، بیان می‌دارد که "امنیت مسئله‌ای است بین ذهنی" که مبتنی بر تصمیم بازیگران خواهد بود. بدین ترتیب، ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف حتی در مورد موضوعی خاص، روی دهد. از سوی دیگر، برداشت و ارزیابی دیگران در مورد امنیتی ساختن یک موضوع توسط یک بازیگر اهمیت می‌یابد، زیرا این برداشت و ارزیابی آنها در نهایت بر نحوه تصمیم‌گیری و پاسخهای آنها تأثیرگذار خواهد بود.

سرنگونی اسد به طور جبران‌ناپذیری به محور تهران-دمشق-بیروت آسیب می‌زند؛ زیرا سوریه رکن اصلی سیاسی و جغرافیایی مرتبط‌کننده رهبری ایران با نمایندگان در منطقه حزب‌الله و سازمان‌های آزادی بخش فلسطینی است. به طور کلی، پیامدهای امنیتی سقوط دولت اسد را برای محور استراتژیک مورد بحث می‌توان در چند محور خلاصه نمود که شامل موارد زیر است: ۱-

تغییر موازنه تهدید منطقه‌ای به زیان ایران ۲- انزوای استراتژیک ایران در منطقه ۳- فشار بر ایران در موضوع برنامه هسته‌ای.

### ۱-۵. تغییر موازنه تهدید منطقه‌ای به زیان ایران

در حالیکه یک موضوع در نزد بازیگری می‌تواند به عنوان تهدیدی امنیتی قلمداد شود، همان مسئله نزد بازیگر دیگر مسئله‌ای عادی تلقی می‌شود. این مسئله «تنگنای امنیت» یا «دوراهی امنیت» نامیده می‌شود به عنوان مثال، در حالیکه کشوری افزایش قدرت نظامی خود را برای مقاصد دفاعی مد نظر قرار می‌دهد، این مسئله از سوی قدرت همسایه یا رقیب به عنوان تهدید علیه امنیت ملی خود تلقی می‌شود.

مقامات آمریکایی و متحدین منطقه‌ای آنها به خوبی آگاهند که سرنوشت معادلات قدرت بین نیروهای مقاومت به رهبری ایران و نیروهای محافظه کار به رهبری آمریکا، به آینده سوریه بستگی دارد، بنابراین آمریکا و متحدینش بدنبال سرنگونی حکومت اسد برای شکست محور امنیتی ایران-سوریه و حزب... لبنان هستند. در صورت سرنگونی دولت اسد، آمریکا و متحدینش تا حدود زیادی به اهداف خود در معادلات استراتژیک جدید خواهند رسید و موازنه تهدید منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی که بیش از سی سال دوام آورده به زیان ایران تغییر خواهد کرد. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه پیشین و مشاور عالی رهبر جمهوری اسلامی در اهمیت این موضوع، سوریه را به عنوان حلقه طلایی در زنجیره مقاومت علیه رژیم صهیونیستی توصیف کرده است. رهبران ایران اذعان دارند که تغییر رژیم در سوریه می‌تواند متحدین منطقه‌ای و در کل، موضع استراتژیک ایران را متأثر کند (کوشکی و کریمی ۱۳۹۳، ۸۲-۸۱)؛ (Koshki and Karimi 2014, 82-81).

### ۲-۵. انزوای استراتژیک ایران در منطقه

بوزان اظهار می‌دارد که طرح مکتب کپنهاک برای سیاستمداران در مواجهه با تهدیدات آن است که به جای بحث در مورد تهدیدات امنیتی به شناسایی فرآیندی توجه نمایند که در نتیجه آن تهدید امنیتی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب که امنیت پدیده‌ای است که در بستر یک فرایند شکل می‌گیرد بدین صورت پیشنهاد بوزان برای سیاستمداران این است که به جای اینکه بیشترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با آن صرف کنند، بهتر است که به شناسایی فرآیندی پردازند که



باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی گردیده است. در باور بوزان از این طریق می توان مانع از بوجود آمدن زمینه های شکل گیری تهدیدات امنیتی گردید.

دولت جدید در سوریه با توجه به ابتکار امنیتی و اقتصادی در استراتژی جدیدش یعنی تعامل بیشتر با آمریکا، دولت های عرب و جامعه بین الملل، می تواند ایران را بیشتر منزوی کند و تلاش های آمریکا را برای محدود کردن گزینه های ایران تقویت نماید. سوریه تنها متحد ایران در جهان عرب و یک کانال ارتباطی با نیروهای مقاومت در جنوب لبنان و فلسطین است؛ در نتیجه، تغییر و تحول در این کشور ضد آمریکایی به معنای پدیدار شدن یک حکومت طرفدار آمریکا، غرب و سعود و حتی طرفدار صلح اعراب و رژیم صهیونیستی خواهد بود که این خود نه تنها باعث تضعیف موضع ایران در سوریه، غزه و لبنان می شود، بلکه انزوای شدید ایران را در منطقه به دنبال خواهد داشت (Hampton, 2014: 41).

### ۳-۱-۵. فشار بر ایران بر سر میز مذاکره هسته ای

کشمکش قدرت" و "کشمکش امنیت" در سطح واحد می تواند منجر به ایجاد معمای قدرت-امنیت گردد. کشمکش قدرت به فرصت طلب و یا ستیزه جو بودن بازیگران دلالت دارد. و کشمکش امنیت به بدبینی و عدم اعتماد میان بازیگران نسبت به هم دلالت دارد. به عقیده بوزان قدرت مبتنی بر بازی با حاصل جمع صفر میان بازیگران است، یعنی افزایش امنیت یکی منوط به کاهش امنیت دیگری می باشد. انگیزه و اهداف بازیگران نیز باعث ایجاد معمای قدرت-امنیت می باشد، یعنی حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود باعث ایجاد کشمکش میان بازیگران خواهد شد. امروزه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت تأثیرگذار مورد شناسایی بین المللی است و در اکثر مسائل منطقه ای، قدرت های جهانی و بخصوص آمریکا نقش خاصی را برای ایران قائل هستند و خواهان مذاکره با ایران در خصوص مسائل منطقه ای، در مواردی همچون بحران عراق، افغانستان، و غیره بوده اند. نفوذ منطقه ای ایران باعث شده که در مذاکرات هسته ای با یک پرستیژ قدرت منطقه ای بر سر میز مذاکره بنشینند، اما در صورت سقوط اسد که یکی از کانون های مهم نفوذ ایران در خاورمیانه محسوب می شود، قدرت منطقه ای ایران کاهش پیدا خواهد کرد. در این خصوص، جیمز روبین در یک گزارش ادعا می کند: از آنجا که ایران در جستجوی گسترش هژمونی منطقه ای و گسترش انقلاب اسلامی اش در سرتاسر منطقه است، صدمه

به اتحاد منطقه‌ای‌اش به معنای ثبات منطقه‌ای است؛ این یک منفعت مهم غربی است و صدمه به اتحاد منطقه‌ای مبارزه علیه برنامه هسته‌ای ایران را تقویت می‌نماید.

سقوط دولت سوریه که نزدیک‌ترین و مهم‌ترین متحد ایران از زمان سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ بوده، به طور جدی توانایی ایران را برای نمایش قدرت در منطقه مدیترانه شرقی متأثر خواهد کرد؛ زیرا ارتباط ایران را که از طریق سوریه به حزب‌ا... لبنان و گروه‌های آزادی بخش فلسطین متصل می‌شوند، قطع خواهد نمود. دومین مسئله این است که در سرنگونی اسد، ممکن است ایران نه تنها نفوذ سیاسی‌اش را از دست بدهد، بلکه در صورت درگیری‌اش با رژیم صهیونیستی توانایی متحدین ایران برای ضربه زدن به این رژیم کاهش می‌یابد.

به نظر می‌رسد که تهدید مشترک و فوری ایران و سوریه در منطقه فعلی، در وهله اول مخالفین داخلی و در مراحل بعدی مخالفین خارجی دولت اسد باشند. تهدید مخالفین داخلی از این جهت مهم است که در مرحله اول، بقای دولت اسد را به خطر خواهد انداخت؛ در مراحل بعدی، با سقوط دولت اسد، محور استراتژیک سه‌گانه قطع خواهد شد و در نتیجه، استراتژی موازنه تهدید ایران با چالش مواجه می‌شود و تهدیدهای امنیتی آن در منطقه افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، دولت برآمده از این بحران می‌تواند یک شریک استراتژیک برای رقیبان استراتژیک ایران در منطقه محسوب شوند.

## ۲-۵. دلایل حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه

نئورئالیست‌ها قائل به شکل دهی به نیات توسط قدرت بالفعل هستند. استقلال امر واقع که از اعتقادات اساسی رئالیست‌ها بود در نزد نئورئالیست‌ها هم، هرچند با تغییراتی در محدوده‌ی شمول آن حضور دارد. در حالی که رئالیست‌ها بر چهره‌های ملموس و خشن قدرت توجه داشتند و قدرت را صرفاً به تبعیت آشکار تابع از آمر فرو می‌کاستند، نئورئالیست‌ها بر چهره‌های جدید قدرت نظیر نیروهای باورانده اقناع و اغواکننده نیز توجه داشتند و بنیان‌گذاران رئالیسم کلاسیک را نکوهش می‌کنند که صرفاً زور را ستایش کرده و آن را تنها وسیله کسب حفظ و توسعه قدرت می‌شمردند (احمدی لفورکی ۱۳۸۷، ۸۲)؛ (Ahmadi Lafuraki 2008, 83).

بر این اساس، دلایل حمایت ایران از سوریه را می‌توان در موارد ذیل بررسی کرد:

۱- حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای



یکی از اولویت‌های ایران در مورد سوریه از ابتدای انقلاب اسلامی، مسائل سیاسی و توازن قدرت منطقه‌ای بوده است. از شروع بحران سوریه، این کشور به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. بیشترین فشارها اکنون در سوریه از طرف عربستان، ترکیه و قطر اعمال می‌شود. این کشورها عملاً مشغول حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف در سوریه هستند و امید دارند که سقوط اسد، راه را برای یکه تازی آن‌ها در خاورمیانه هموار سازد. در عین حال، سقوط اسد نه تنها ایران را از لبنان محروم می‌کند؛ بلکه عراق را به عنوان حوزه نفوذ جدید ایران در خطر قرار می‌دهد. علاوه بر سرمایه‌گذاری عربستان در عراق و گروه‌هایی که به شکل بالقوه آماده تحرک برای تأمین منافع ریاض هستند؛ ترکیه نیز در شمال عراق حضور دارد که سیاست‌هایش چندان با ایران همخوانی ندارد. بدین ترتیب سقوط سوریه، مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار حکومت جدید سوریه قرار می‌دهد که با تکیه بر شواهد، همپیمانی استراتژیک با ایران را فسخ کرده و به محور عربستان می‌پیوندد. در چنین شرایطی، بقای حکومت اسد برای ایران تنها حمایت از یک هم پیمان قدیمی و ادای دین به این همپیمان به خاطر حمایتش از تهران در زمان جنگ با عراق نیست؛ بلکه موضوع حیاتی است.

در جریان تحولات بحران سوریه قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران همانند ترکیه و عربستان سعودی نسبت به وضعیت موجود ناراضی و خواهان تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌باشند. در واقع، اتحاد این بازیگران در مورد پرونده سوریه برای تضعیف اتحاد مقابل می‌باشد. این بازیگران سعی دارند سوریه را که یکی از متحدان کلیدی ایران در منطقه است و پل ارتباطی با گروه‌های مقاومت حزب‌ا... و حماس هم هست از ایران جدا کنند و با این کار موازنه منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهند (احمدی لفور کی ۱۳۸۷، ۸۳)؛ (Ahmadi Lafuraki 2008, 83).

جمهوری اسلامی ایران، سوریه را به عنوان عمق استراتژیک خود تعریف می‌کند و حفظ وضع موجود در سوریه و یا پایان دادن به بحران آن با تثبیت حکومت بشار اسد، برای ایران اهمیت به سزایی دارد. با توجه به موارد فوق، ایران در قبال بحران سیاسی اخیر سوریه، قاطعانه از حکومت اسد حمایت کرده است. ایران معتقد است اگر نظام سوریه بخواهد تغییر کند، ایران یک متحد راهبردی خود که می‌توانسته آزادی عملی را در بخش غربی آسیا برای ایران به وجود بیاورد، از دست خواهد داد؛ چون مدعیان زیادی خواهد داشت و آن نظام، وابستگی‌هایی به کسانی خواهد داشت که به گروه‌های مخالف کمک کردند یا برای حفظ قدرت خود مجبور هستند به

قدرت‌های منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای وابسته شوند. در هر صورت، تفوق مخالفان بر حکومت فعلی و دست به دست شدن قدرت در سوریه مترادف خواهد بود با یک شیف‌ت کامل سیاسی از تمایل و رابطه نزدیک با ایران به سمت ترکیه، عربستان سعودی و همپیمانان آن خواهد بود. به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه، معنی افزایش یک حلقه دیگر به زنجیره رقبای منطقه‌ای ایران و از دست رفتن یک همپیمان استراتژیک منطقه‌ای قلمداد می‌شود.

## ۲- اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه

سوریه برای سال‌ها نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را بر عهده داشته است. سوریه به عنوان پلی برای دستیابی به مدیترانه مورد توجه ایران قرار گرفته است که حفظ رابطه با دولت سوریه، و بهبود روابط با این کشور را توجیه می‌نماید. تحولات سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه و در عین حال در سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه تأثیر زیادی دارد. همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است. این کشور می‌تواند از طریق بنادر «بانیاس» و «طرطوس» در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز ایران به اروپا باشد. سوریه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی بوده است، نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران اسلامی، با جمهوری اسلامی همراهی کرد. جایگاه سوریه چه از لحاظ ژئوپلیتیکی و چه از لحاظ نوع حکومتی که در آن قدرت را در دست دارد از یک طرف و همچنین قرار داشتن سوریه در خط مقاومت و در جبهه ایران از طرف دیگر، از اهمیت بسیار زیادی برای سیاست‌های راهبردی و منطقه‌ای ایران برخوردار است (احمدی لفور کی ۱۳۸۷، ۸۴)؛ (Ahmadi Lafuraki 2008, 84).

## ۳- سوریه به عنوان متحد راهبردی ایران در منطقه

سوریه به عنوان مهم‌ترین متحد ایران در منطقه، از جایگاه خاصی در سیاست خارجی این کشور برخوردار است. سوریه در طول سه دهه گذشته تنها متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بوده است؛ دو کشور تعاملات و همکاری‌های راهبردی مهمی تجربه کرده‌اند. مخالفت با حضور نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد اسرائیلی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای ایران و سوریه به شمار می‌رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده‌اند. سوریه به لحاظ راهبردی



بیشترین اهمیت را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه‌ای مهم برای حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می‌شود. بر این اساس، آغاز ناآرامی‌ها در سوریه و گسترش تشدید بحران در این کشور بیشترین نگرانی‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است (احمدی لفورکی ۱۳۸۷، ۸۴)؛ (Ahmadi Lafuraki 2008, 84).

## ۳-۵. پیامدهای مناسبات روسیه و ترکیه در بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

### ۱-۳-۵. تضعیف جایگاه ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای

رقابت‌ها و مناسبات روسیه و ترکیه، زمینه‌ساز تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران خواهد شد. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای به دست گرفتن مدیریت تحولات منطقه و تأثیرگذاری در فرآیند دولت‌سازی جوامع دستخوش تحول، در جهت مقابله و مهار رقیبان، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی خاورمیانه است. جمهوری اسلامی ایران نیز به فراخور نقش و میزان اثرگذاری خود در خاورمیانه، در معرض این رقابت‌ها قرار دارد، رقابت‌هایی که می‌تواند در پاره‌ای موارد امنیت ملی کشور را در همه ابعاد آن هدف قرار دهد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی ۱۳۹۱)؛ (Dehghani Firouzabadi and Farazi 2012).

چون روند تحولات امنیتی در منطقه خاورمیانه حاکی از وجود وابستگی متقابل امنیتی منفی در این منطقه است. به جای آنکه ازدیاد قدرت در یکی از واحدهای منطقه، در یک فرایند وابستگی متقابل امنیتی مثبت، موجب بهبود شرایط امنیتی و شکل‌گیری روندهای همکاری‌جویانه امنیتی شود، در یک معادله جبری با حاصل جمع صفر، ازدیاد قدرت یک واحد به سرعت تأثیر منفی بر امنیت ملی واحدهای دیگر بر جای می‌گذارد و روندهای تقابل‌جویانه و منازعات امنیتی شکل می‌گیرد.

### ۲-۳-۵. کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران

در طول یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران در همکاری و اتحاد با سوریه و گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان شکل‌دهنده‌ی ائتلاف منطقه‌ای مهمی موسوم به محور مقاومت در منطقه بوده است. این ائتلاف ضمنی منطقه‌ای، پتانسیل راهبردی مهمی برای سیاست منطقه‌ای ایران است و باعث گسترش نفوذ و نقش‌آفرینی کشور در منطقه و مقابله با چالش‌های امنیتی از سوی دولت‌های رقیب و متخاصم شده است. با وقوع تحولات سوریه، زمینه‌ها و مؤلفه‌هایی برای



گسست در محور مقاومت نیز قابل شناسایی است که مهم‌ترین هدف دولت‌های غربی در سوریه تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه به گونه‌ای سازگار با منافع درازمدت غرب از یک سو و حذف نیروهای مقاومت طلب به منظور تأمین امنیت رژیم صهیونیستی از طریق درهم شکستن خط مقدم نیروهای ضد صهیونیستی یعنی سوریه از سوی دیگر است. بنابراین، آنچه در سوریه در جریان است، به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ چراکه سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و صهیونیستی این‌گونه اظهارنظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید (ایزدی ۱۳۸۹، ۲۸)؛ (Yazdi 2010, 28).

### ۳-۳-۵. کاهش قدرت هم پیمانان ایران

در بررسی حلقه منطقه‌ای بحران سوریه، نقش ایران به عنوان اصلی‌ترین حامی سوریه با دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت اساسی متفاوت است و حمایت جمهوری اسلامی از نظام مردمی سوریه همان قدر اهمیت دارد که اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران دارد و ایران هیچ وقت از هدف اصلی خودش که در سال‌های اخیر نجات سوریه بوده است، لحظه‌ای غفلت نمی‌کند.

از طرفی، جمهوری اسلامی ایران فروریزی جبهه سوریه در مقابل رقبایی از جمله روسیه و ترکیه را به منزله کاهش نفوذ راهبردی خود می‌داند و هم چنین تزلزل در ارکان مقاومت اسلامی و تحقق آن را هم به مفهوم بر هم خوردن توازن قوا در منطقه و تقویت موضع رژیم صهیونیستی می‌داند؛ بنابراین، از هیچ‌گونه طرح شتاب‌زده‌ای که منجر به فروپاشی نظام سوریه و تسلط جریان مخالف دولت شود، استقبال نمی‌کند. در واقع، در نظر ایران، سقوط بشار اسد به هرج و مرج بیشتر در منطقه خواهد انجامید.

### ۳-۳-۴. تغییر توازن قوای منطقه‌ای

یکی از اهداف مشترک مخالفان سوریه مانند کشور ترکیه، هدایت تحولات جهان عرب به مسیر دلخواه و در نهایت تغییر توازن قوای منطقه‌ای به سود خود می‌باشد. این کشورها در تلاشند تا از تغییر در کشورهای متحد ایران حمایت کنند و با تغییر در کشورهای مخالف و رقیب ایران مخالفت کنند. آمریکا و ترکیه تحولات جهان عرب را فرصت مغتنمی برای گسترش الگوهای



سیاسی و اقتصادی خود در چارچوب دموکراسی ترکیه محور ارزیابی می کنند. تُرک ها، گسترش الگو و نظم آمریکایی را که قرابت و نزدیکی خاصی به الگوی ترکیه دارد، عاملی برای گسترش نقش و نفوذ خود در منطقه ی غرب آسیا و افزایش ارزش راهبردی کشورشان ارزیابی کردند. بنابر این، به نظر می رسد بتوان چکیده سیاست ترکیه و آمریکا را تلاش برای هدایت تحولات به سوی نظم غربی و دموکراسی های ترکیه محور معرفی کرد. در نهایت، موضع ایران در قبال تحولات جهان عرب، تلاش برای گسترش نظامی جدید در منطقه غرب آسیاست که به ایجاد موازنه قوای جدیدی به سود جمهوری اسلامی ایران و به ضرر آمریکا و عربستان منتهی می شود. به باور ایران با توجه به اینکه اسلام گرایان مهم ترین اپوزسیون محسوب می شوند، گسترش دموکراسی در منطقه به معنای ایجاد نظامی اسلامی و ضد غربی است. به شکل خاص، سوریه را می توان اوج محور رقابت و جدال بین ایران از یک سو و آمریکا و ترکیه و عربستان از سوی دیگر دانست.

### ۵-۳-۵. بروز و تشدید اختلافات منطقه ای بین ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج

#### فارس با ایران

یکی از پیامدهای منفی تحولات جهان عرب به خصوص سوریه، افزایش اختلافات منطقه ای بین ایران با عربستان و ترکیه در نوع نگاه و شکل حامی تغییرات بر تحولات منطقه است. به شکل خاص تر، اختلاف بین ایران و ترکیه بیشتر در زمینه ایجاد ساختارهای جدید و ماهیت نظام های سیاسی آینده کشورهای منطقه است. اوج تفاوت و اختلاف در راهبرد دو کشور را می توان در سوریه در مشاهده نمود. به طور کلی می توان گفت که سوریه مهم ترین حوزه ای است که رویکرد ترکیه در سوریه، در تضاد با منافع منطقه ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ایران شکل گیری محور مقاومت در منطقه غرب آسیا را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می شود، از مهم ترین دستاوردهای و حتی مهم ترین دستاورد خود در عرصه سیاست منطقه ای می داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی های لازم برای بازیگری و نقش گسترده تر ایران در عرصه منطقه ای حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم برای ایران نیز دارد. بنابراین، آنچه در سوریه در جریان است، به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است؛ چراکه سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و

سهیونستی این گونه اظهار نظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید (خودسیانی ۱۳۹۱، ۲۰۵)؛ (Khodsiani 2012, 205).

### ۶-۳-۵. تضعیف محور مقاومت

یکی از این اختلافات بنیادین در روابط میان ایران و روسیه در سوریه، ریشه در رابطه نزدیک اسرائیل و روسیه دارد که تا حدودی نیز متأثر از سیاست‌های ضد اسرائیلی ایران و فعالیت‌های حزب... است. اسرائیل به شدت از قدرت‌یابی حزب... در سوریه و مرزهای خود نگران است. این نگرانی‌ها ناشی از چند عامل مهم است: نخست، بهبود و تقویت مهارت‌های نظامی حزب... که ناشی از تجربه چند ساله این گروه در سوریه است؛ تجربه‌ای که بدون شک می‌تواند در برابر اسرائیل به کار گرفته شود. نگرانی دوم اسرائیل که یک عامل اختلافی میان ایران و روسیه بوده، انتقال سلاح‌های روسی به حزب... از انبارهای تسلیحاتی سوریه بوده است. ایران پیش‌تر به روسیه وعده داده بود که تجهیزات پیشرفته نظامی را که از روسیه دریافت می‌کند، در اختیار حزب... لبنان قرار ندهد، اما به گفته مقامات و رسانه‌های اسرائیلی، ایران به این قول خود پایبند نبوده و موشک‌های زمین به هوای اس‌آی ۲۲ را که از روسیه خریداری کرده، در اختیار حزب... لبنان قرار داده است. این موضوعی است که همواره موجب نگرانی اسرائیل بوده و روسیه نیز بنا به درخواست اسرائیل بارها از ایران خواسته از انتقال سلاح به حزب... جلوگیری کند. پوتین هم چنین تلاش کرده است تا به اسرائیل اطمینان دهد که حضورش در سوریه و توافق با ایران برای تحویل سامانه‌های دفاع موشکی اس ۳۰۰ منجر به افزایش آسیب‌پذیری اسرائیل مقابل موشک‌های حزب... نخواهد بود (دهقانی فیروزآبادی و فرازی ۱۳۹۱، ۱۷۰-۱۶۹)؛ (Dehghani Firouzabadi and Farazi 2012, 169-170).

### نتیجه‌گیری

باری بوزان بر خلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد به عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری می‌باشد. وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاک را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست. در حالیکه رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند،



لیبرال‌ها با خوش خیالی تأمین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانستند. در واقع چهارچوب تنگ و محدود دامنه‌ی امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاک اصلاح گردیده است.

بحران سوریه به عنوان یک بحران منطقه‌ای حاد سبب گردید تا بازیگران دخیل در آن به صف‌بندی‌های متعارضی علیه یکدیگر پردازند. از جمله‌ی این صف‌بندی‌ها و کنش متعارض در مواجهه با بحران سوریه را باید در الگوی رفتاری روسیه و ترکیه در قبال یکدیگر جستجو کرد. در واقع، فدراسیون روسیه و ترکیه نوعی تعارض رفتاری آشکار و شاید تاکتیکی و مقطعی را در مواجهه با بحران سوریه از یکدیگر نشان داده و هر کدام با جدیت به دنبال تحقق منافع خود و شرکای خود در این میدان بوده‌اند. به هر حال، باید تأکید نمود که کنش متعارض روسیه و ترکیه در مواجهه با بحران سوریه ریشه در مسائل مختلف داشته است. منافع و رویکردهای متعارض دو طرف در بحران سوریه سبب شده تا مخاطرات جدی برای روابط دیرینه روسیه و ترکیه ایجاد گردد.

ریشه‌ی اصلی کنش متعارض روسیه و ترکیه در بحران سوریه را باید در حمایت جدی روس‌ها از نظام اسد و همچنین حمایت غیرمستقیم و بعضاً مستقیم از اکراد دانست که پاشنه آشیل همیشگی ترکیه بوده است. از طرفی، ترکیه نیز با نزدیکی به مواضع مخالفین و منتقدین حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تحریک بیشتر مسکو در جدیت برای مقابله با مخالفین نظام سوریه شده است. به هر ترتیب، در کنار تعارض آشکار روسیه و ترکیه در بحران سوریه، نمی‌توان از ظرفیت‌های همکاری و همراهی آنها در این بحران نیز غافل شد. چرا که دو طرف روابط دیرینه و تاریخی با یکدیگر داشته و این روابط پایدار می‌تواند سطح تنش میان آنها را در میدان سوریه کاهش دهد. به نظر می‌رسد، علاوه بر مسائل سیاسی و تغییر روند تحولات میدانی پس از سقوط ماجرای جت جنگی روسیه و آزادسازی برخی مناطق سوریه از دست تروریست‌ها به خصوص حلب، موجب به خطر افتادن هر چه بیشتر منافع اقتصادی و تجاری ترکیه و ترس از به کارگیری حربه تحریم گازی و همچنین خطر گسترش دامنه جنگ با روسیه از عواملی قلمداد کرد که دولت ترکیه را مجبور ساخت در جهت ترمیم رابطه با فدراسیون روسیه اقدام کند که اینگونه موارد موجب خواهد شد تا سطح تنش روسیه و ترکیه در قبال بحران سوریه کنترل گردد.

به هر حال، باید تصریح داشت که کنش متعارض روسیه و ترکیه در قبال یکدیگر در بحران سوریه عاملی تأثیرگذار در روابط منطقه‌ای آنها بوده است. این مسئله سبب گردیده تا عرصه‌های

متعارضی از همکاری و رقابت در سوریه برای آنها متصور شود؛ چرا که هراس مشترک روسیه و ترکیه از سرایت تروریسم تکفیری از بحران سوریه می‌تواند، عاملی مهم در ترغیب آنها برای همکاری مشترک باشد؛ اما نیاز به اشاره است که رقابت روسیه و ترکیه در سالیان اخیر موجب رویارویی جدی آنها در منطقه قفقاز گردیده و بحران‌های جانبی مانند بحران سوریه موجب تشدید این فرایند شده است. مناسبات دو کشور می‌تواند تأثیرات مهمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از جمله این تأثیرات می‌توان به تضعیف محور مقاومت، بروز و تشدید اختلافات منطقه‌ای، تغییر توازن قوای منطقه‌ای، کاهش قدرت هم‌پیمانان ایران، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و تضعیف جایگاه ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای اشاره داشت که جمهوری اسلامی ایران نیز با اعمال اهرم‌ها و سیاست‌های خود نوانسته است که بسیاری از این سیاست‌ها را با شکست مواجه سازد.

### منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد. (۱۳۸۷). "ترکیه، حال و آینده"، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ایزدی، جهانبخش. (۱۳۸۹). برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه؛ همگرایی بیشتر یا گسست"، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی.
- بیات، ناصر. (۱۳۹۰). "نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه"، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم.
- حسینی، مطهره و مطالب ابراهیمی و صفی‌اله شاه قلعه. (۱۳۹۱). "نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه. (۲۰۰۲ - ۲۰۱۲)"، مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره سوم.
- خودسیانی، حسین. (۱۳۹۱). "بررسی تحولات سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و مهدی فرازی. (۱۳۹۱). "بیداری اسلامی و امنیت ملی رژیم صهیونیستی. (ملاحظات ایران و غرب)"، مجموعه بیداری اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- زهرانی، مصطفی و فرجی لوحه سرا، تیمور. (۱۳۹۳). منابع بین‌المللی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۰، شماره ۸۵.



- شبکه خبری العالم، ۱۳۹۳/۶/۲۲.
- شفیعی، نوذر و معصومه روحی و محمدرضا دهشیری و رحمت حاجی مینه. (۱۳۹۸). «نظریه واقع گرایی و همزمانی بهبود روابط اقتصادی و سیاسی روسیه و ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۲.
- صفوی، سید سلمان. (۱۳۹۱). «بحران سوریه در سایه منازعه موازنه قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره هشتم.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). «نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر.
- عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «بازنده اصلی بحران در روابط روسیه و ترکیه کیست؟»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس). رجوع شود به: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/864>
- کوشکی، محمدصادق و کریمی، محجوبه. (۱۳۹۳). "پارادوکس های سیاست خارجی آمریکا در بحران سوریه"، فصلنامه روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۶.
- موسوی زاده، سید علی. (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی و ریشه شناسی بحران سوریه»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگیان ج.ا. ایران در خارج از کشور، شماره دوم.
- نیاکویی، سید امیر و بهمنش، حسین. (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴.
- هدایتی، مهدی و پینگتسف، رمان ولادیمیروویچ. (۱۳۹۴). "الگوهای رفتاری روسیه و آمریکا در مدیریت بحران های منطقه ای؛ مطالعه موردی بحران سوریه"، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲.

### منابع انگلیسی

- Blanchard, Christopher (2015), "Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response", Congressional Research Service, Available at: <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL33487.pdf>, Accessed on: 21 March 2016.
- Hampton, Kelsey. (2014), "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and Saudi Arabia's Cold War in the Middle East", Merton Press
- Karakullukçu, Memduh and Trenin, Dmitri (2014), "Exploring the Prospects for Russian-Turkish Cooperation in a Turbulent Neighborhood", Global Relations Forum-Carnegie Moscow Center.
- Pamuk and Butler. (2014). "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and Saudi Arabia's Cold War in the Middle East", Merton Press.
- **Translated references to English**

- Abdullah Khani, Ali. (2004). Theories of security, an introduction to planning the doctrine of national security, Tehran: Abrar Contemporary International Institute of Cultural Studies and Research.
- Ahmadi Lafuraki, Behzad. (2008). "Turkey, present and future", Tehran: Abrar Contemporary Cultural Institute of International Studies and Research, Tehran.
- Azizi, Hamidreza. (2014). "Who is the main loser of the crisis in Russia-Turkey relations?", Iran and Eurasia Studies Institute. (Iras). Refer to: <http://www.go.ir/fa/doc/article/864>. Koshki, Mohammad Sadegh and Karimi, Mahjubeh. (2014). "Paradoxes of American foreign policy in the Syrian crisis", International Relations Quarterly, Volume 7, Number 26. Mousavizadeh, Seyyed Ali. (2011). "Islamic awakening and the etymology of the Syrian crisis", special issue of the 9th consensus of cultural representatives. A. Iran abroad, number two.
- Bayat, Nasser (2011). "Turkey's role in the developments in the Middle East with an emphasis on the developments in Syria", Policy Guide Quarterly, 2nd year, 2nd issue. Hosseini, Matahera and Ebrahimi and Safiullah Shah Qala. (2012). "Looking at the West in Turkey's foreign policy during the Justice and Development Party (2002-2012)", Islamic World Studies, first year, third issue.
- Blanchard, Christopher (2015), "Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response", Congressional Research Service, Available at: <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL33487.pdf>, Accessed on: 21 March 2016.
- Dehghani Firouzabadi, Jalal and Mehdi Farazi. (2012). "Islamic awakening and the national security of the Zionist regime. (Iran and the West)", Islamic Awakening Collection, Imam Sadiq University Publications.
- Eizadi, Jahanbakhsh. (2010). Estimation of the third decade of strategic relations between the Islamic Republic of Iran and Syria; More convergence or separation", the quarterly guide to political, defense and security policies.
- Hampton, Kelsey. (2014), "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and Saudi Arabia's Cold War in the Middle East", Merton Press.
- Hedayati, Mehdi and Pingvetsev, Roman Vladimirovich. (2015). "Behavioral patterns of Russia and America in the management of regional crises; a case study of the Syrian crisis", Strategic Policy Research Quarterly, third year, number 12.
- Karakullukçu, Memduh and Trenin, Dmitri (2014), "Exploring the Prospects for Russian-Turkish Cooperation in a Turbulent Neighborhood", Global Relations Forum-Carnegie Moscow Center.
- Khodsiani, Hossein. (2012). "Examination of the developments in Syria and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran", Master's Thesis, Imam Hossein University, peace be upon him.
- Niakoui, Seyed Amir, Bahmanesh, Hossein. (2012). "Opposing Actors in the Syrian Crisis: Objectives and Approaches", Foreign Relations Quarterly, Year 4, Number 4.
- Pamuk and Butler. (2014). "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and Saudi Arabia's Cold War in the Middle East", Merton Press.
- Safavi, Seyyed Salman. (2012). "The Syrian crisis in the shadow of the balance of power conflict in the Middle East", Just Peace Diplomacy Quarterly, No. 8.
- Shafiei, Nozer, Masoume Rouhi, Mohammad Reza Desheiri, and Rehmat Haji Mina. (2018). "The theory of realism and the simultaneity of improving economic and political relations between Russia and Turkey", Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy, Volume 9, Number 32.
- Zahrani, Mustafa and Faraji Lohesara, Timur. (2004). International sources of the 2020 national security strategy of the Russian Federation, Central Asia and Caucasus Studies Quarterly, Volume 20, Number 85 Al-Alam News Network, 13/09/2014.

## Relations between Russia and Turkey in the Syrian crisis and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran

*Ali Rostami*

*PhD student in Political Science, Department of Political Science,  
Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran*

*Nader Pour Akhundi\**

*Assistant Professor, Department of Political Science, Khorramabad Branch,  
Islamic Azad University, Khorramabad, Iran (r1353@gmail.com)*

### Abstract

With the formation of the crisis in Syria, the ground was provided for the influence of regional and extra-regional powers. These countries have been trying to secure their national security by using different tools and measures. In the Syrian crisis, regional and extra-regional powers such as Turkey and Russia were involved. Turkey entered the field due to its border and threats from terrorist groups and Russia to maintain its economic and military ties with Syria and prevent its influence in the Middle East from decreasing. Before this, Russia and Turkey had extensive cooperation, which came into conflict with the Syrian crisis and the positions of the two countries, and it reached its peak when Turkey shot down a Russian fighter on the Syrian border, and Russia also cut off all its relations with Turkey. But, once again, the two countries turned to cooperation. The purpose of this research is to explain the effect of the relations between Russia and Turkey in the Syrian crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran. The main question of the research has been raised as follows: What effect did the relations between Russia and Turkey have on the national security of the Islamic Republic of Iran in the Syrian crisis? It has been hypothesized that the relations between Russia and Turkey in the Syrian crisis, due to the presence of components such as the attempt to overthrow the Assad family, the influence of the Kurds and the attempt to weaken the influence of Iran, have become the basis for the weakening of the national security of the Islamic Republic of Iran. The findings of the research show that the relations between Russia and Turkey in the Syrian crisis have caused the weakening of Iran's national security. The type of research method is descriptive-analytical and based on library studies.

**Keywords:** Relations, Russia, Turkey, Syrian crisis, national security of the Islamic Republic of Iran



---

\* Corresponding Author